

چکیده

اصل رفتار ملی یکی از اصول بنیادین حاکم بر عملکرد سازمان تجارت جهانی می باشد . که به معنای اعمال رفتار مساوی میان بیگانگان و اتباع داخلی است . در ذکر اهمیت این اصل همین بس که در هر سه موافقت نامه اصلی سازمان و نیز در برخی موافقت نامه های فرعی صراحتاً به بیان اصل رفتار ملی و لزوم رعایت آن از سوی دول عضو پرداخته شده است . همچنین بسیاری از مشاجرات تجاری مطرح شده در سیستم حل و فصل اختلافات سازمان با عنایت به این اصل حل و فصل شده اند . اصل رفتار ملی در حقیقت بر آن است تا کشورها را از اعمال حمایت نسبت به محصد ولات و خدمات داخلی باز دارد تا کشورها ی عضو بتوانند به نحو مطلوبی شرایط رقابتی برابر میان کالاها و خدمات داخلی و خارجی فراهم آورند . که این امر خود بستر ساز تجارت آزاد میان اعضا می شود که هدف غایی عملکرد سازمان تجارت جهانی است .

مقدمه :

عملکرد سازمان تجارت جهانی مبتنی بر چند اصل اساسی و بنیادین می باشد . که یکی از مهمترین این اصول ، اصل عدم تبعیض است . اصل اخیر نیز خود بر دو اصل کلی رفتار دولت کامله الوداد و رفتار ملی مبتنی می باشد . اصل دولت کامله الوداد به معنای اعمال رفتاری برابر با دیگر اعضای سازمان می باشد . به عبارت دیگر ، رفتار دولت کامله الوداد اجرای اصل عدم تبعیض در بعد خارجی است . اما در بعد داخلی اصل رفتار ملی ، بیانگر الزام به عدم اعمال تبعیض می باشد . به این معنا که یک عضو سازمان تجارت جهانی می باید میان اتباع خارجی و داخلی رفتاری برابر را اعمال نماید . در حقیقت اعمال این اصل در چارچوب سازمان تجارت جهانی به معنای رفتار برابر با کالا ، خدمات ، عرضه کنندگان خدمات و امور بر آمده از حقوق مالکیت فکری داخلی و وارداتی می باشد .

مقررات سازمان تجارت جهانی در قالب سه موافقت نامه ی اصلی و بیست و هشت موافقت نامه فرعی تنظیم شده است . به دلیل اهمیت اصل رفتار ملی ، در هر سه موافقت نامه ی اصلی به لزوم رعایت این اصل تصریح شده است و در تعدادی از موافقت نامه های فرعی نیز موادی به بیان اصل فوق الذکر اختصاص داده شده است .

به طور کلی اعمال اصل رفتار ملی به معنای برقراری شرایط رقابتی برابر میان خارجیان و اتباع داخلی است . لذا مقتضای این اصل ، عدم حمایت از محصولات و خدمات داخلی می باشد . و کشورهای عضو از پرداخت یارانه به محصولات داخلی و اعمال عوارض و هزینه های مازاد به کالاهای وارداتی می باید اجتناب کنند . در غیر این صورت مرتکب نقض تعهدی برآمده از قواعد سازمان شده اند و کشوری که از این رهگذر متضرر گشته می تواند به مکانیسم حل و فصل دعاوی تجاری متوسل شده ، تقاضای احقاق حق نماید . به همین سبب است

که در رویه ی سازمان تجارت جهانی شاهد دعاوی هستیم که با عنایت به لزوم رعایت اصل رفتار ملی حل و فصل شده اند

به رغم اهمیت رعایت این اصل استثنائاتی در مقررات سازمان تجارت جهانی پیش بینی شده است که با تمسک به آنها می توان اعمال اصل رفتار ملی را تعویق انداخت . از مهمترین این استثنائات وضعیت کشورهای در حال توسعه است که تا رسیدن به سطح قابل قبولی از توان اقتصادی، الزامی به رعایت اصول این چینی ندارند . از آن رو که صنایع و تولیدات آنها نیازمند حمایت است و همانطور که گفته شد اصل رفتار ملی به معنای خودداری از اعمال حمایت می باشد . چنانچه کشورهای فوق ملزم به رعایت این اصل باشند ، به ناچار متحمل عواقب نامطلوبی می شوند که از آن جمله نابودی صنایع و تولیدات داخلی آنهاست .

کشورمان ایران نیز که در حال طی کردن مراحل لازم جهت الحاق به سازمان تجارت جهانی می باشد ، در حال حاضر با تحریم های سنگین اقتصادی مواجه است . شاید اکنون فرصت مناسبی باشد تا با ارتقاء کیفیت محصولات و تقویت صنایع داخلی ، آمادگی لازم جهت فراهم آوردن بستری مناسب برای رقابت پذیری را کسب نماید . در اینصورت در زمان الحاق دیگر نیازی به اعمال حمایت از صنایع و تولیدات داخلی نبوده ،زمینه برای اعمال اصل رفتار ملی نیز فراهم باشد .

تاکنون پیرامون سازمان تجارت جهانی ، ساختار ، قواعد ، موافقت نامه ها و پروسه ی الحاق ایران به این سازمان در ابعاد مختلف ، کتب و مقالات بسیاری نگاشته شده است ، در حالیکه به اصل رفتار ملی به طور مشخص و مجزا پرداخته نشده بود . لذا با توجه به اهمیت این اصل به ویژه در خصوص الحاق ایران به سازمان ضرورت پر کردن خلاء مذکور احساس می شد . روش انجام این تحقیق استفاده از منابع کتابخانه ای بوده است . البته امکان دسترسی محدود به منابع لاتین از محدودیت های این تحقیق به شمار می رود .

تحقیق پیش رو با هدف پاسخگویی به این سوال اصلی به رشته ی تحریر در آمده است که :

● اصل رفتار ملی چه نقشی در عملکرد سازمان تجارت جهانی دارد ؟

در عین حال به چند سوال فرعی نیز در خلال مطالب این تحقیق پاسخ گفته شده است :

۱- جایگاه این اصل در رابطه میان حقوق بشر و حقوق سازمان تجارت جهانی چگونه است ؟

۲- نقش اصل رفتار ملی در حقوق سرمایه گذاری بین المللی چیست ؟

۳- موافقت نامه های سازمان تجارت جهانی تا چه حد به لزوم رعایت این اصل پرداخته اند؟

این تحقیق مبتنی بر فرضیه ای نبوده و به نوعی اکتشافی می باشد . که به دو بخش عمده تقسیم شده است : در بخش اول به تعریف و بررسی اصل رفتار ملی و تبیین موقعیتش در حقوق سازمان تجارت جهانی ، ارتباط میان حقوق بشر و حقوق سازمان تجارت جهانی ، فرآیندالحاق ایران به سازمان و نهایتاً حقوق سرمایه گذاری پرداخته ایم . بخش دوم به طور خاص ناظر به موقعیت این اصل در موافقت نامه های اصلی و فرعی سازمان و نیز در حل و فصل مشاجرات تجاری در قالب سیستم سازمان تجارت جهانی می باشد .

بخش اول :

شناخت اصل رفتار ملی

در این بخش که با هدف نیل به شناختی کلی از مفهوم اصل رفتار ملی، به عنوان یکی از شقوق اصل عدم تبعیض، نگاشته شده است، ضمن بررسی م‌عنای این اصل، تاریخچه ی آن و اشاره ای کوتاه به جایگاهش در سازمان تجارت جهانی، به تبیین موقعیت آن در حقوق سرمایه گذاری بین المللی نیز به صورت اجمالی پرداخته ایم.

فصل اول : بررسی اصل عدم تبعیض با تاکید بر اصل رفتار ملی در سازمان تجارت جهانی

کار کرد سازمان تجارت جهانی متاثر از اصول مهمی همچون اصل عدم تبعیض ، اصل تجارت آزاد ، اصل شفافیت و اصل رقابت منصفانه می باشد. اساسی ترین اصل از قواعد تجارت بین الملل ، اصل عدم تبعیض می باشد که در واقع قلب نظام تجارت جهانی را تشکیل می دهد. در حقیقت می توان گفت علت اصلی به وجود آمدن قواعد گسترده ی مربوط به تجارت بین الملل ، نیل به اجرای این اصل است.

با توجه به اینکه این اصل صرفاً مخصوص روابط تجاری بین المللی نیست و در همه ی معاهدات بین المللی اجرا می گردد ، از زمان شروع روابط تجاری خارجی تا کنون وجود داشته و چندان دستخوش تحول قرار نگرفته است.

همانطور که بیان شد اصل عدم تبعیض یکی از بنیادی ترین اصول حاکم بر کارکرد سازمان تجارت جهانی می باشد. به همین سبب در سه موافقت نامه ی اصلی سازمان ، یعنی موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)^۱ ، موافقت نامه ی عمومی تجارت خدمات (گتس)^۲ و موافقت نامه ی حمایت از جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)^۳ ، به آن اشاره شده است.

اصل عدم تبعیض در واقع ترکیبی از دو قاعده ی رفتار دولت کامله الوداد و رفتار ملی می باشد. حوزه ی شمول اصل مذکور ، تجارت کالا ، خدمات و حمایت از جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری را در بر می گیرد. تعهد به رفتار دولت کامله الوداد در واقع یک کشور عضو را از اعمال تبعیض میان دیگر اعضا بر حذر می دارد. در حالیکه تعهد به اعمال رفتار ملی ، یک کشور عضو را از اعمال تبعیض علیه دیگر اعضا منع می کند. از آنجا که هدف اصل عدم تبعیض ، ایجاد فرصت های رقابتی برابر در کشورهای عضو می باشد ،

^۱ General Agreement on Trade and Tariff(GATT)

^۲ General Agreement on Trade on Services(GATS)

^۳ Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights(TRIPS)

اعمال آن کشورهای عضو را متعهد می سازد تا در وضع قوانین تجاری خود در مورد یکدیگر تبعیضی قائل نشده و مقررات یکسانی را مورد اجرا گذارند.

این اصل در ابتدا از جانب کشورهای در حال توسعه مورد انتقاد قرار گرفت. زیرا از منظر آنها اجرای آن زمانی می تواند عادلانه باشد، که همگی کشورها از نظر اقتصادی در یک سطح قرار گرفته باشند. بنا بر این اصل عدم تبعیض در مذاکرات دور کندی مورد تجدید نظر قرار گرفت و مقرر شد که کشورهای توسعه یافته امتیازات جدیدی به کشورهای توسعه نیافته اعطا نمایند^۴. در توضیح اصل رفتار ملی در چارچوب سازمان تجارت جهانی در بخش آینده مطالب گسترده تری بیان خواهد شد.

مبحث نخست : بررسی اصل رفتار ملی

نخستین گام در شناسایی اصل رفتار ملی، تبیین مفهوم و بررسی تاریخچه ی آن می باشد که در این مبحث به آن پرداخته ایم.

گفتار اول : مفهوم اصل رفتار ملی

اصل رفتار ملی به عنوان یکی از اصول حقوق بین الملل عرفی از دیر باز در روابط تجاری میان کشورها اعمال می شده است. رعایت این اصل به معنای اعمال رفتاری برابر میان خارجیان و اتباع داخلی است. بر این اساس اگر یک دولت، حق، منفعت یا امتیازی را برای اتباع خود قائل شود، می باید خارجیانی که در سرزمین آن دولت به سر می برند را نیز از همان حقوق، منافع و امتیازات بهره مند سازد. اعمال رفتار ملی می تواند بعد منفی

۴ امید بخش، الف، ۱۳۷۰، بررسی موافقت نامه تعرفه و تجارت و تبعات الحاق جمهوری اسلامی ایران به آن، (پایان نامه، دانشکده حقوق دانشگاه تهران)

نیز داشته باشد. به این معنا که اگر کشور میزبان اتباعش را از برخورداری از حقوقی محروم سازد، این چنین محرومیتی گریبان گیر اتباع خارجی نیز می شود.^۵

در زمان حاضر شاهد آن هستیم که رفتار ملی به صورت پر رنگی در روابط تجاری کشورها ایفاگر نقش می باشد. تا به عنوان یکی از شقوق اصل عدم تبعیض، کشورها را به ایجاد فرصت های رقابتی برابر در عرصه ی تجارت بین الملل سوق دهد. از این جهت ضمن اینکه معاهدات سرمایه گذاری بین المللی ناظر به این اصل می باشند، عدول از رفتار ملی، مسئولیت بین المللی کشورها را در عرصه ی بین المللی در پی خواهد داشت. بدیهی است اگر چنین رفتاری به صورت همگون اعمال شود، این امر به نفع بیگانگان خواهد بود.

گفتار دوم: تاریخچه ی اصل رفتار ملی

پیشینه ی اصل رفتار ملی را در امور تجاری بین المللی می توان در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی جستجو کرد. زمانیکه با توسعه ی معاهدات دو جانبه ی مودت، بازرگانی و کشتیرانی گام مهمی در تنظیم روابط اقتصادی میان کشورها ی نو ظهور برداشته شد. موضوعات تحت پوشش معاهدات مزبور، از تجارت کالا فرا تر می رفت و شرط دولتهای کامله الوداد و رفتار ملی (با اموال و سرمایه گذاری های اتباع بیگانه) در آنها درج می شد. این معاهدات با مشخصاتی که ذکر گردید، خود زمینه ساز بنیانهای اساسی در ساختار گات نیز گردیدند.^۶

اصل رفتار ملی در قرون ۱۸ و ۱۹ به عنوان مبنای مذاکرات دو جانبه مربوط به سرمایه گذاری های بین المللی مطرح بود. با پیدایش مفهوم حقوق مالکیت فکری، پیدایش

۵ البته باید این حقیقت را در نظر داشته باشیم که دادگاه های داوری بین المللی و دولت های توسعه یافته ی غربی منکر این امر هستند که اگر دولتی رفتاری پایین تر از حداقل معیار بین المللی با بیگانگان داشته باشد، بتواند خود را با طرح این ادعا که با اتباع خود نیز اینگونه برخورد می کند، تبرئه نمایند. ک. زمانی، س. ق.، ۱۳۸۷، حقوق بین الملل عمومی، (تهران، انتشارات شهر دانش) ص ۲۴۹.

۶ قنبری جهرمی، م. ج.، ۱۳۸۲، نهادهای بین المللی تجارت، گات و سازمان تجارت جهانی، نشریه دفتر خدمات حقوق بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۸، صص ۲۴۱-۱۴۹.

موافقت نامه ها و کنوانسیون های متعدد در این زمینه ، همچنان به عنوان یک معیار رفتار در عرصه ی بین الملل ایفاء نقش می کرد. از آن جمله می توان به کنوانسیون برن و پاریس اشاره کرد که اصل رفتار ملی را برای حمایت از اموری که در خصوص کپی رایت به انجام می رسند ، مد نظر قرار داده اند. همچنین می توان به تصویب موافقت نامه ی حمایت از جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری و نفتا اشاره کرد که این موارد نیز در بر دارنده ی اصل رفتار ملی در ارتباط با کپی رایت می باشند. که البته در خصوص پاره ای حقوق به اعضا امکان اعمال استثنائاتی را می دهد. همچنین حمایتی که بر مبنای اصل رفتار ملی از کنوانسیون رم بر می آید ، حمایتی است که یک دولت بر اساس قوانین داخلی اش به مجریان و پخش کنندگان برنامه های صوتی داخلی اعطا می نماید. مشکل اصلی کنوانسیون رم نیز آن است که در حالیکه عموماً تعهد به رفتار ملی را مطرح می سازد ، اعمال تعداد زیادی از حق شرط ها و استثنائات را که برای اعضا حایز اهمیت هستند ، مجاز می شمارد.

مبحث دوم : بررسی اصل رفتار ملی در سازمان تجارت جهانی

با توجه به اهمیت این قاعده ، تعهد به رفتار ملی صراحتاً در سه موافقت نامه اصلی سازمان ، یعنی گات ، گتس و تریپس به ترتیب در مواد ۳ ، ۱۷ و ۳ به چشم می خورد. با هدف اصلی حذف موانع پنهان داخلی در راستای تجارت میان اعضای سازمان ، از طریق ایجاد فرصت های رقابتی برابر . در غیاب چنین قاعده ای ، اعضا موافقت نامه ی تجاری خود را برای تحمیل هر گونه مالیات و عوارض داخلی که به وضع آن تمایل داشته باشند ، آزاد می بینند.

هدف از بیان تعهد به رفتار ملی در ماده ۳ گات ۱۹۹۴ در ارتباط با تجارت کالا ، جلوگیری از حمایت از محصولات داخلی ، از طریق اقدامات مالیاتی و قانونی داخلی است .

چنانکه در ماده ۳ به صراحت بیان شده است که هدف از وضع این ماده، تضمین این امر است که اقدامات داخلی به گونه ای نسبت به محصولات وارداتی اعمال نشود که منجر به حمایت از محصولات داخلی گردد. ماده فوق الذکر در خصوص کالاهای داخلی و وارداتی مشابه و مستقیماً با بل رقابت یا جانشینی اعمال می شود و ناظر به قوانین، مقررات و الزامات داخلی می باشد.

تعهد به رفتار ملی در ارتباط با تجارت خدمات، در ماده ۱۷ گتس بیان شده است. که با ماده ۳ گات متفاوت می باشد. از این جهت که ماده ۳ گات، تعهد به رفتار ملی را نسبت به همه ی انواع تجارت کالا لازم الرعایه اعلام می کند، حال آنکه تعهد به رفتار ملی در تجارت خدمات تنها تا جایی مطرح می شود که اعضا خود را صراحتاً، در خصوص بخشهای خاصی از خدمات متعهد به التزام به آن نموده باشند.

در خصوص اعمال اصل رفتار ملی در تجارت خدمات اعضا باید از طریق فرایندی که به تنظیم جدول تعهدات معروف است (جدول رسمی تعهدات، بخشی از موافقت نامه ی خدمات محسوب می شود)، تعهدات آزاد سازی خاصی بسپارند. اگر عضوی برای بخش خاصی از خدمات خود تمایل به سپردن تعهد نداشته باشد، می تواند در هر زمان آزادانه عمل کند. رویکرد جدول بندی تعهدات، چند پارچه شدن تعهد به رفتار ملی را در پی خواهد داشت. یک عضو ممکن است حق به اعمال تبعیض میان خدمات مشابه را از طریق روشهای مختلف عرضه ی خدمات، با در نظر داشتن هر روش، برای خود حفظ کند.

برای بررسی هماهنگی یک اقدام داخلی با ماده ۱۷ گتس باید به سه سوال پاسخ داده شود:

۱. آیا اقدام مورد نظر بر تجارت خدمات موثر می باشد؟
۲. آیا خدمات و عرضه کنندگان خدمات داخلی و خارجی مشابه هستند؟

۳. آیا رفتاری با مطلوبیت کمتر نسبت به خدمات و عرضه کنندگان خدمات خارجی اعمال شده است؟

برای تشخیص مشابهت میان محصولات یا خدمات، اساساً باید به ماهیت و میزان روابط رقابتی میان آنها توجه شود. البته برای تشخیص مشابهت باید به عوامل دیگری نیز همچون ویژگی‌های کالاها، خدمات یا عرضه کنندگان خدمات، طبقه بندی کالاها، خدمات و عرضه کنندگان خدمات، عادات و ترجیحات مصرف کننده در ارتباط با کالاها، خدمات و عرضه کنندگان خدمات و در مورد کالاها، استفاده‌ی نهایی از آنها توجه کرد.

در حقوق مالکیت فکری نیز، رعایت اصل رفتار ملی در کنار رفتار دولت کامله الوداد، زمینه‌ی ارتقاء دسترسی به بازار را برای خارجی‌ان فراهم می‌نماید. اصل رفتار ملی که در ماده ۳ تریپس به آن اشاره شده است، تا حدودی با ماده ۳ گات متفاوت می‌باشد. بر اساس ماده ۳ گات، اصل رفتار ملی شامل تجارت کالا می‌شود و در این چارچوب ناظر به کالاهای محسوس و مشابه می‌باشد. حال آنکه اصل رفتار ملی که در موافقت‌نامه‌ی تریپس به آن اشاره شده است، ناظر به قواعد عدم تبعیض در مورد اشخاص حقیقی و حقوقی می‌باشد. نظر به اینکه در موافقت‌نامه‌ی گتس اعمال اصل رفتار ملی ناظر به اشخاص نیز می‌باشد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که از این جهت این اصل در موافقت‌نامه‌ی تریپس تا حدودی شبیه به اعمال آن در موافقت‌نامه‌ی گتس می‌باشد.^۷

علی‌رغم اهمیت فراگیر اصل عدم تبعیض در نظام تجارت بین‌الملل، گات در بردارنده مقررات روشنی است که نقض این اصل را در شرایط خاصی مجاز می‌داند.

^۷فتحی زاده و بزرگی، الف. ه. و. و، ۱۳۸۳، بایسته‌های الحاق به سازمان تجارت جهانی در زمینه‌ی حقوق مالکیت فکری (تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)

گفتار اول : استثنائات وارد بر اصل رفتار ملی

استثنائات ی که اعمال اصل رفتار ملی را متاثر می سازند دو گونه هستند : اول آن دسته از استثنائاتی که طرفهای خاصی از طرفین معاهده را از قواعد پذیرفته شده توسط سایر اعضا معاف می نماید . یا برخی قوانین را برای حمایت از آنها اصلاح می کند . این گونه استثنائات کارکردی شامل موافقت نامه های تجاری منطقه ای (که افزایش آنها منجر به کاهش آزاد سازی تجارت می گردد و اصولاً به نوعی در جهت عدم اجرای اصل عدم تبعیض شکل می گیرند) ، موافقت نامه ی حفاظتها (که به منظور مقابله با رقابت غیر منصفانه و یا مواجهه با شرایط اضطراری به کار بسته می شوند و به کشورها اجازه می دهند حمایت ها را از طریق سهمیه بندی یا مالیات گذاری و یا تلفیقی از آنها برای ورود کالای خارجی اعمال نمایند).

استثناء دسته ی دوم ، ناظر به شرایط ویژه ی کشورهای در حال توسعه است . چنانکه موافقت نامه ی اولیه ی گات کشورهای در حال توسعه را مجاز می دارد تا مقررات ویژه ای داشته باشند. این کشورهای بر اساس ماده ۱۸ گات ، تعهدات متفاوت و با سختگیری کمتری به منظور حفظ تراز پرداختها و توسعه ی صنایع نوزاد دارند . این چنین استثنائی برای نیل به هدف بهبود دسترسی به بازار ب رای محصولات مورد علاقه ی صادراتی کشورهای در حال توسعه می باشد.

سایر استثنائات نیز در ماده ۱۴ گات در مورد محدودیتهای مقداری وماده ۲۰ در مورد استثنائات عمومی شامل حراست از اخلاق عمومی ، حفاظت از حیات جانداران ، ورود و صدور طلا و نقره و ... ، ماده ۲۱ گات بیانگر استثنائاتی در ارتباط با مسایل امنیتی از جمله اطلاعات نظامی می باشد. به بررسی استثنائات وارد بر اصل رفتار ملی در گات در فصل بعد بیشتر خواهیم پرداخت .

گفتار دوم : رویکرد قوانین داخلی کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی به اصل رفتار ملی اعضای سازمان تجارت جهانی با متعهد شدن به اعمال اصل حسن نیت بر مبنای حقوق بین الملل عمومی ، در راستای نیل به کمال مطلوب در تجارت بین الملل حرکت می کنند . هیات استیناف سازمان فوق الذکر در یکی از گزارشاتش به این مسئله اشاره داشت که قانون حاکم بر سازمان جدای از حقوق بین الملل عمومی نمی باشد.^۸

تفسیر موافقت نامه های سازمان ، بر اساس قوانین موجود در سازمان تجارت جهانی می باید با رعایت مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین ، یعنی با حسن نیت انجام شود . وجود چنین قوانینی در سازمان مبین آن است که تعهد به اعمال حسن نیت و تفسیر معاهده بر آن مبنای چنانکه از مفاد کنوانسیون وین بر می آید، بخشی از قوانین سازمان تجارت جهانی می باشد .

حیطه ی تعهد به رفتار ملی نیز می باید با حسن نیت تفسیر شود . به این معنا که کشورهای عضو موظفند با عنایت به رعایت حسن نیت ، در قوانین داخلی شان بستری مناسب جهت اعمال اصل رفتار ملی فراهم آورند . بنا بر این باید از تصویب مقررات محدود کننده ی غیر ضروری پرهیز کنند .

هیات استیناف سازمان در یکی دیگر از گزارشاتش بیان می کند که ماده ۲۰ گات در زمینه ممنوعیت بر تبعیض خود سرانه و غیر قابل توجیه در راستای نیل به اهداف و سیاست های مشروع می باشد . این مسئله نیز خود به نوعی به رعایت اصل حسن نیت در حقوق بین الملل اشاره دارد.^۹ به عبارتی اعمال تبعیض خودسرانه و غیر قابل توجیه نشان گر اقدامات غیر ضروری می باشند (قسمت ب ماده ۲۰ گات) . به دیگر سخن مقررات زمانی خود سرانه و غیر قابل توجیه هستند که غیر ضروری و قابل اجتناب باشند . در نتیجه در نظر داشتن مسئله

^۸Appellate Body Report on United States Standards for Reformulated and Conventional Gasoline , supra 11.136 , p 17.

^۹Appellate Body Report on United States Imports Prohibition on Certain Shrimp and Shrimp Producers. Supra 11.37.para 48.

ی "ضرورت" در قانون گذاری داخلی به معنای رعایت حسن نیت از جانب اعضای سازمان می باشد.

با این حال در عمل ممکن است قانونگذاران داخلی در نیل به کمال مطلوب قصور داشته باشند و در دستیابی به هدفی که بیان شد اقدامات ناکارآمدی انجام دهند. در این صورت ممکن است این سوال مطرح شود که آیا قضات سازمان تجارت جهانی می توانند ضرورت مقررات داخلی که منجر به ایجاد تاثیری نامطلوب بر کالاها یا خدمات وارداتی شده را ارزیابی نمایند؟

بر اساس قوانین سازمان تجارت جهانی، قضات سازمان در امر قضاوت نمی توانند حیطه ی حقوق و تعهدات اعضا را دستخوش تغییر قرار دهند. در اختلاف نوشیدنی های الکلی شیلی^{۱۰}، این کشور به نظر هیات رسیدگی معترض شد. با این استدلال که معیار ضرورتی که هیات رسیدگی با اعمال بند ۲ ماده ۳ فوق الذکر برای شیلی در نظر گرفته بود، با عدول از حیطه ی اختیاراتش بوده است.^{۱۱}

در عمل با عنایت به اینکه اجرای اصل رفتار ملی در پرتو اعمال معیار ضرورت، در خصوص اقدامات ذاتا بیطرفانه با تاثیر نا مطلوب به عمل می آید، قضات سازمان می توانند در مورد اعمال معیار ضرورت، به صورت مستدل اظهار نظر کنند.

سوال دیگر اینست که آیا قضات سازمان برای بررسی معیار ضرورت، صلاحیت

اظهار نظر در مورد قوانین و مقررات داخلی کشورها را دارند؟

با عنایت به اینکه قوانین داخلی کشورها، با توجه به مقتضیات و مصالح خاص هر

کشور وضع شده اند، روشن است که معیار ضرورت نمی تواند معیار متحد الشكل و دقیقی

باشد. برای اظهار نظر در خصوص معیار ضرورت در هر کشور، باید نسبت به مصالح و

¹⁰Chile _Alcoholic Beverages

¹¹Appellate Body Report on Chile _ Taxes on Alcohol Beverages , WT/ DS 87/ AB/ R/ adopted 12 january 2000/para 79.

نیازهای اتباع آن کشور آگاهی و وقوف کافی وجود داشته باشد. قضات سازمان جهت کسب اطلاعات لازم در هر مورد اختیارات گسترده ای دارند. ماده ۵۰۶ موافقت نامه ی اس پی اس (استانداردهای بهداشتی) نیز بیانگر آن است که هیات های رسیدگی می توانند به نظرات متخصصان علمی جهت دریافت رهنمود پیرامون مسئله ی ضرورت اقدامات یک عضو ، متوسل شوند . با این حال هر چند ممکن است قضات سازمان به لحاظ فنی قادر به ارزیابی معیار ضرورت در قوانین و در اقدامات یک کشور عضو باشند ، همچنان می توان استدلال کرد که با توجه به وقوف بیشتر قانونگذاران داخلی نسبت به مصالح اتباعشان ، ایشان خود در این زمینه صالح ترند . به طور مثال ، ارزیابی معیار ضرورت در ارتباط با حمایت از مصرف کننده از کشوری به کشور دیگر متفاوت است . حال اگر مقررات مربوط به حمایت از مصرف کننده در یک کشور عضو ، در روند حل و فصل اختلافی به چالش کشیده شود ، قاضی بین المللی می باید در خصوص آسیب پذیری مصرف کننده در آن کشور اظهار نظر نماید. قاضی بین المللی نظر خود را در عمل ، نسبت به یک مصرف کننده ی متعارف بیان می کند. البته چنین تفسیری از معیار ضرورت باید با انعطاف صورت گیرد.^{۱۲} حقوق عرفی جدید ، بیانگر این باور است که قضات سازمان جهانی تجارت می باید معیار ضرورت را (با در نظر گرفتن تفاوت در نیازهای شهروندان کشورهای متفاوت و جزئیات امور داخلی کشورها) با انعطاف بیشتری اعمال کنند.^{۱۳}

مطلب دیگری که می توان ذیل عنوان جایگاه اصل رفتار ملی در قوانین داخلی کشورها بیان کرد ، اشاره به این واقعیت است که سیستم سازمان تجارت جهانی به دنبال ایجاد

^{۱۲} قوانین سازمان تجارت جهانی ، به ویژه در پرتو تفسیر هیات استیناف از " معیار ضرورت " در ماده ۲۰ گات ، چنین انعطافی را روا می دارد.

^{۱۳}Gaeten Verhoosel ,National Treatment and WTO Dispute Settlement , Portland ,Hart Publishing , 2002.p 95.

فرصت های رقابتی برابر میان اعضا می باشد . بنابر این قوانین داخلی کشورهای عضو باید به قسمی تصویب شوند که بی طرفانه بوده و مستلزم اعمال حمایتی نباشند .

این حقیقت را نیز نمی توان از نظر دور داشت که قوانین دولتها به سبب تفاوت های تاریخی در فرهنگ ، ارزشها و اولویت ها با یکدیگر متفاوت می باشند . چنین قوانینی می توانند به صورتی موثر به عنوان مانعی در مقابل پیشروی دسترسی به بازار عمل کنند . همین امر باعث ایجاد تنش میان سازمان تجارت جهانی و خود مختاری اعضا در دو دهه ی گذشته شده است .

سازمان تجارت جهانی با شرایط عضویت شبه جهانی اش ، بر آن است تا با فراهم آوردن پیش نیازهای لازم ، در جهت آزاد سازی تجارت قدم بر دارد . به این مسئله در دیپلاچیه ی سازمان نیز اشاره شده است . در این میانه آن چه بر عملکرد اساسی سازمان در جهت نیل به اهدافش سایه افکنده است ، اصل عدم تبعیض و به ویژه اصل رفتار ملی می باشد . کشوری که در نظام قانونی خود اقدامات تبعیض آمیز را مجاز بشمارد ، به صورت نامطلوبی بر فرصت های رقابتی کالاها و خدمات اثر گذاشته و از این لحاظ از اهداف سازمان فاصله می گیرد . با دید به این مسئله توجه داشته باشیم که سازمان تجارت جهانی در پی قانون زدایی در کشورها نیست ، تنها خواستار ایجاد قوانینی است که متضمن اصل عدم تبعیض باشند . گات قوانینی را در خصوص چاپ و نشر و اداره ی مقررات داخلی وضع نموده است ، اما متعرض اصل قوانین نمی شود . تنها موادی که به اصل قوانین نظر دارد ، مواد ۱ و ۳ گات در زمینه ی شرط دولت های کامله الوداد و تعهد به رفتار ملی است .

در حالیکه شرط دولت های کامله الوداد اهداف چند جانبه ای را دنبال می کند ، اهداف تعهد به رفتار ملی ، یکی جلوگیری از تحمیل مالیات های داخلی و سیاست های

قانونگذاری در جهت استفاده برای اقدامات حمایتگرانه است و دیگری ایجاد فرصت های رقابتی برابر برای کالاها و خدمات می باشد .

بنا بر آنچه تا کنون مطرح شد ، کشورهای عضو می باید با رعایت اصل حسن نیت در جهت اجرای موافقت نامه های سازمان و به خصوص لحاظ نمودن رفتار ملی در عملکردشان ، قوانین داخلی را به نحوی تنظیم کنند که متضمن ایجاد فرصت های برابر رقابتی میان محصولات و یا خدمات و عرضه کنندگان خدمات داخلی و خارجی باشد . در این راستا دولت ها موظفند از اقدامات غیر ضروری که منجر به اعمال تبعیض آمیز و خود سرانه می شود بپرهیزند . در این میانه در جهت تشویق طرفین متعاقد برای ایجاد امتیازات تعرفه ای ، باید برای آنها حق جبران خسارت را پیش بینی کرد . که اگر حقوق یک عضو در نتیجه ی عملکرد نامطلوب عضو دیگر مخدوش شود ، امکان احقاق حق برای عضو متضرر وجود داشته باشد . که این امر در رویه ی حل و فصل اختلافات سازمان پیش بینی شده است که در بخش بعد به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت .

مبحث سوم : حقوق بشر و حقوق سازمان تجارت جهانی با تاکید بر عملکرد رفتار ملی

در این مبحث بر آنیم تا ارتباط میان حقوق بشر و حقوق سازمان تجارت جهانی را ارزیابی کرده و جایگاه اصل رفتار ملی را در این میان شناسایی کنیم . درگفتار دوم آن نیز به طور خاص به وضعیت کشورهای در حال توسعه در رویه ی سازمان تجارت جهانی خواهیم پرداخت .

گفتار اول : رویکرد حقوق سازمان تجارت جهانی به مسائل حقوق بشری با تاکید بر اصل

رفتار ملی

با عنایت به اینکه هدف اصلی و اولیه ی سازمان تجارت جهانی ، حذف موانع تجاری در راستای آزاد سازی تجارت در کشورهای عضو می باشد ، بی تردید امر جهانی سازی امور اقتصادی و مالی نتایج ژرف انسانی را به همراه خواهد داشت . در این راستا در زمینه ی ارتباط حقوق سازمان تجارت جهانی با حقوق بشر دیدگاه های متفاوتی وجود دارد . عده ای بر آنند که از آنجا که میان ضمانت اجرایی قوانین تجارت و حقوق بشر عدم توازن زیادی وجود دارد ، به این معنا که ضمانت اجرای حقوق بشر بسیار کم رنگ تر از قوانین تجاری می باشد ، این امر منجر به تسامح کشورها نسبت به تعهداتشان در زمینه ی حقوق بشر می شود . آنها به سه شکست اساسی نظر دارند که باعث تضعیف روابط میان تجارت و حقوق بشر شده اند .

نخست آنکه در عین حال که اکثر کشورها امروزه به عضویت سازمان در آمده اند و به موافقت نامه های آن ملتزم گشته اند ، متعهد به تعهدات حقوق بشری نیز می باشند . در این راستا کشورها با تقسیم بندی تعهداتشان و ارج نهادن به روابط تجاری باعث شده اند که تعهدات حقوق بشری در محاق قرار گیرد . به عبارت دیگر قطع ارتباط و تفکیک بین این حوزه ها ، اکثر کشورها را به سهل انگاری نسبت به تعهداتشان در قبال حقوق بشر سوق داده است ، و این در حالی است که بیشتر به مراودات تجاری می پردازند . کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی به یک برنامه ی تجارت آزاد پیوسته اند که نسبت به اهداف و انتظارات بیان شده در دیباچه ی توافقات سازمان مذکور که علی الخصوص بر « ارتقاء سطح زندگی» و نیز « ایجاد توسعه ی پایدار» تاکید دارد ، پاسخگو و مسئول نمی باشند .

حق بر توسعه یکی از حقوق انسان است که حق بر مشارکت ، حق ملتها بر توسعه و آبادانی و همچنین حق بر حاکمیت را ضروری ساخته و از حقوق بسیار مهم برای تجارت است

. در عین حال از نگاه برخی صاحب نظران همچون « محمد ید جائوبی » حق توسعه یک حق بنیادین ، پیش شرط آزادی ، پیشرفت و عدالت و هسته ی مرکزی حقوق بشر است و جنبه ی بین المللی حق توسعه ، داشتن سهم برابر از ثروت اجتماعی و اقتصادی است . حق توسعه از حق تعیین سرنوشت نشات می گیرد و دارای سرشتی همسان با آن است . و از آنجا که توسعه برای حق تعیین سرنوشت ضروری است لذا توسعه خود در زمره ی حقوق بشر است .

دوم آنکه کشورها اغلب نسبت به تقدم و ارجحیت حقوق بشر مطابق با حقوق بین الملل سهل انگاری می کنند . این حقوق در منشور ملل متحد تصریح شده اند ، به عنوان مثال ماده ۵۵ در زمینه ی حقوق اقتصادی و اجتماعی ، همچنین به طور خاص در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر به ویژه در مقدمه و مواد ۲۱ تا ۲۸ در زمینه ی حقوق اقتصادی و اجتماعی منشور ملل متحد پیش بینی می کند وظایف و تعهدات کشورها از قاعده ی ارج نهادن به انسان و کرامت انسانی ناشی می شود و نسبت به دیگر قوانین برتری دارد . همچنین مقدمه ی مذاکرات وین بر قواعد حقوق بشر منطبق با حقوق بین الملل صحه می گذارد که این کاملاً شبیه اعلامیه وین و برنامه کاری آن است که از کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ ناشی می شود . تمامی معاهدات سازمان ملل متحد در ارتباط با حقوق بشر ، با هدف پیشبرد آن و همچنین ارتقاء حقوق اساسی و معاهدات سازمان بین المللی کار است . در این چارچوب به کار بردن و اجرای قواعد سازمان تجارت جهانی بسیار سودمند است . حتی اگر این قواعد در بر گیرنده مجازاتهای تجاری تحت عنوان ساز و کار حل اختلافات باشد ، که در این صورت تمام اعضای سازمان تجارت جهانی می باید اصل یگانگی و وحدت مذاکرات را رعایت کنند ، چه در ارتباط با حقوق بشر و یا در ارتباط با حقوق تجارت .

سوم آنکه سوء اسد نفاذ از مفهوم حقوق بشر در مباحث مربوط به سازمان تجارت جهانی باعث می شود برخی کشورهای جنوب دچار شکاکیت و بد بینی گشته و آن را پایانی بر